

واکاوی اصول و راهکارهای قرآن در اجتناب از قومیت‌گرایی

عزیزالله مولوی وردنجان

استادیار دانشگاه شهرکرد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول).

molavi@sku.ac.ir

اصغر طهماسبی بلداجی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهرکرد.

asghar.tahmasebi@sku.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله علمی - پژوهشی صفحه (۱۰۱ - ۱۲۱) دریافت: ۱۴۰۴/۷/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۵/۱۱/۰۸	از چالش‌های زیست اخلاقی در اجتماعات بشری در سطوح خرد و کلان، تقدم قومیت بر حقانیت است. قرآن کریم با رویکردی توحیدی، هرگونه گرایش به قوم‌گرایی افراطی، تبعیض و نژادگرایی را نفی کرده، هویت اخلاقی و تقوایی را معیار ارزش‌گذاری معرفی می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و تفسیری به واکاوی منظومه اخلاقی قرآن در مواجهه با قومیت‌گرایی پرداخته و به منظور پرهیز از بازگشت‌های مفهومی با تفکیک دقیق میان «اصول اخلاقی» و «راهبردهای اجرایی» داده‌ها، به صورت‌بندی جدیدی از هنجارهای بنیادین و راهبردهای اجتنابی در موضوع قومیت‌گرایی دست یافته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که قرآن در بُعد نجات‌شناختی، تقدم سعادت فردی بر قومیت، در بُعد انسان‌شناختی، اصالت کرامت انسانی در برابر نژادگرایی، در بُعد معرفت‌شناختی، قومیت به عنوان تجلیگاه صفات الهی و در بُعد جامعه‌شناختی، لازمه شناخت متقابل و ابزاری برای هم‌افزایی اجتماعی را مهم‌ترین اصول و راهکارهای اجرایی مقابله با قومیت‌گرایی مذموم بیان داشته است. قرآن با تثبیت اصول هنجاری فراتبعیض و با ارائه راهبردهای عملی اصلاح‌نگر، تربیت ارزشی و مهندسی هویت جمعی، الگوی جامعی برای مواجهه با قومیت‌گرایی فراهم می‌آورد. تمایز سطح اصول و راهبردها از آشفتگی استدلالی پیشگیری می‌کند و پژوهش‌های بعدی می‌توانند بر سنجش‌پذیری راهبردها در میدان سیاست‌گذاری فرهنگی تمرکز کنند.

همچنین این دستاوردها، ظرفیت‌های وسیعی را برای بازخوانی مفاهیم حقوق بشر، هم‌زیستی و عدالت اجتماعی در جهان معاصر فراهم می‌آورند. با توجه به چالش‌های هویتی امروز، بازگشت به این مبانی قرآنی می‌تواند مبنای نظری مناسبی برای گفتمان‌های بینا فرهنگی و کاهش تنش‌های قومی باشد.

کلیدواژه‌ها

قومیت‌گرایی، فردیت، تقوا، کرامت بشری، زندگی اجتماعی.

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های قرآن کریم، جهان‌شمولی آن در سطح گزاره‌ها، اهداف و مخاطبان است. این کتاب هدایت، در عین خطاب به اقوام و قبایل مختلف، نگاهی توحیدی، فراقومیتی و فراتبعیضی به انسان و جامعه انسانی دارد. در چنین نگاهی، کرامت انسانی نه وابسته به نسب و نژاد است و نه برآمده از تعلقات جغرافیایی و قبیله‌ای، بلکه حاصل تقوا، ایمان و زیست اخلاقی در چهارچوب ارزش‌های الهی است. درمقابل، پدیده قومیت‌گرایی یا عُصبیة قومی، که بیشتر از ناخودآگاه جمعی، تعصبات تاریخی یا منافع نژادی تغذیه می‌کند، از منظر قرآن کریم پدیده‌ای واپس‌گرا، ضد توحیدی و از موانع جدی زیست اخلاقی قلمداد شده است. قومیت‌گرایی، چه در سطح اندیشه و چه در عرصه رفتار، به تحقیر دیگران، اختلال در عدالت اجتماعی و تبعیض در حقوق شهروندی می‌انجامد و مانع بزرگی در مسیر تحقق اخوت ایمانی و وحدت اسلامی است. بررسی چگونگی مواجهه قرآن با این پدیده، از آن رو اهمیت دارد که در پرتو آن می‌توان چهارچوبی اخلاقی - توحیدی برای برون‌رفت از بحران‌های نوپدید نژادی، طایفه‌گرایانه، یا ملی‌گرایی افراطی ترسیم کرد؛ بحران‌هایی که نه فقط در جوامع غیرمسلمان، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی، مانع از تحقق مدینه فاضله قرآنی شده‌اند. قرآن کریم با بیانی الهی، در کنار نفی مبانی قوم‌گرایانه و نژادپرستانه، اصولی اخلاقی را در مواجهه با تنوع قومی و نژادی مطرح می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها شامل: اصل کرامت ذاتی انسان، اصل برابری در خلقت، اصل تقوا به مثابه معیار ارزش، اصل عدالت در قضاوت و رفتار و اصل مدارا و تعارف (شناسایی) میان اقوام است. این اصول، منظومه‌ای فکری و عملی پدید می‌آورند که در آن،

نه تنها اختلافات طبیعی میان انسان‌ها نفی نمی‌شود، بلکه با بازشناسی آن به عنوان زمینه تفاهم، بنیان‌های اخلاقی هم‌زیستی صلح‌آمیز تقویت می‌گردد. پرسش بنیادین این است که قرآن چگونه می‌تواند در جهانی چندقومیتی، الگویی اخلاقی برای مواجهه با تنوع ارائه دهد؟ با توجه به اهمیت موضوع و فقدان پژوهش‌های جامع در تبیین نظام‌مند اصول اخلاقی قرآن در حوزه قومیت، پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - تفسیری، به واکاوی این اصول و چگونگی مواجهه قرآن با قوم‌گرایی پرداخته است. از رهگذر این واکاوی تلاش می‌شود تا ضمن بازنمایی بنیادهای اخلاقی قرآن در این زمینه، امکان‌های نوینی برای گفت‌وگوی میان‌فرهنگی و وحدت‌گرایی دینی در سطح امت اسلامی فراهم گردد.

پیشینه پژوهش

درباره قومیت‌گرایی و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن کریم، پژوهش‌هایی انجام شده است. توسلی‌زاده (۱۴۰۲ش) در مقاله‌ای با عنوان «قومیت‌گرایی از منظر قرآن کریم»، به بررسی جایگاه قوم و قومیت در قرآن پرداخته و از دو بُعد این مسئله را واکاوی کرده است. در بُعد اول به جنبه منفی قومیت‌گرایی؛ یعنی غلبه تعصب بر حقانیت پرداخته و اینکه این نوع قوم‌گرایی از منظر قرآن رد شده است؛ اما در بُعد دوم به جنبه مثبت قوم‌گرایی اشاره کرده و اینکه هرگاه قوم‌گرایی به تقویت جبهه حق و رویکرد توحیدی بینجامد، از منظر قرآن شایسته و پسندیده است. جعفری و همکاران (۱۴۰۳ش) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حلّ منازعات قومی از منظر قرآن کریم» به آسیب‌شناسی قومیت‌گرایی و توجه به نژاد و طایفه در کشورهای اسلامی پرداخته‌اند و به راهکارهای قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی اشاره کرده‌اند که البته بیشتر تمرکز این پژوهش بر مباحث سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی است. حسینی و مطهری (۱۳۹۹ش) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مواجهه فرهنگی انبیاء علیهم‌السلام با قوم‌گرایی از منظر قرآن کریم» ضمن توجه به آسیب‌های قوم‌گرایی، به رویکردهای انبیا در مقابله با تعصبات قومی و قبیله‌ای پرداخته‌اند. ناظر بر وجوه نوآوری مقاله، ضمن احترام به تلاش‌های علمی صورت گرفته در منابع تفسیری و تفسیرهای موضوعی پیشین که منابع الهام و استفاده در این مقاله نیز بوده (شکرالله مساعیهم) اشاره می‌شود که: برخلاف

مقالاتی که تنها به یکی از آیات یا یک اصل اخلاقی اشاره دارند، این مقاله به تبیین منظومه‌ای از اصول اخلاقی (برابری، کرامت، تقوا، عدالت، نفی نژادگرایی، اصالت فرد و افتخار به قوم) پرداخته است که نگاهی جامع و ساختاری به موضوع می‌دهد. همچنین با رویکرد تفسیری - موضوعی جامع و منسجم و دسته‌بندی نوین مفهومی، اصول استخراج شده از قرآن به صورت مفصل و موضوع‌محور در قالب دسته‌بندی منطقی ارائه و با ارجاع دقیق به آیات و تحلیل‌های تفسیری، پیوستگی مفهومی میان آن‌ها ایجاد شده است. این دسته‌بندی جدید (مثلاً: «تقوا به جای نسب»، «اصالت فرد»، «عدالت فراملی» و «نفی افتخار قومی») در آثار پیشین کمتر به صورت مستقل و تجمیعی بحث شده است. بازخوانی نقادانه میراث قومی از منظر قرآن با تمرکز ویژه بر نقد ارزش‌گذاری قومی در قوم بنی اسرائیل، قریش و مستکبران و کافران جاهلی، نشان می‌دهد که چگونه قرآن، مفاهیم خویشاوندی و قومیت را بازتعریف کرده، آن‌ها را در نظام اخلاقی توحیدی استحاله می‌کند. پاسخ‌دهی به نیاز معاصر جوامع اسلامی برای مقابله نظری با پدیده‌هایی مانند نژادگرایی، قوم‌محوری سیاسی و گسست‌های درون فرهنگی، با اتکا به آموزه‌های توحیدی قرآن و پیوند میان لایه‌های الهیاتی، اخلاقی و جامعه‌شناختی در یک چهارچوب تحلیلی منسجم، پژوهش حاضر را از صرف تفسیر ادبی یا جامعه‌شناسی دین متمایز می‌سازد. همچنین کاربرست نظری آموزه‌های اخلاقی در بافت قومیت‌گرایی معاصر علاوه بر مزایای رقابتی پیش‌گفته، موجب شده پژوهش پیش‌رو از سطح تبیین تفسیری فراتر رفته، با تحلیل جامعه‌شناختی، کاربرد آموزه‌های قرآنی در مواجهه با چالش‌های امروزی مانند نژادپرستی، تبعیض قومی و هویت‌گرایی افراطی را نشان دهد.

۱. مفهوم‌شناسی قومیت در لغت و اصطلاح

واژه «قوم» در لغت عرب به معنای گروهی از مردم است که با یکدیگر در نسب یا محل سکونت یا دین مشترک باشند. ابن منظور در لسان العرب ذیل ماده «قوم» می‌نویسد: «القوم جماعة من الناس یجمعهم أمر» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۱۰/۱۲). در منابع فارسی نیز «قومیت» به معنای تعلق به یک تبار، نژاد یا ملت با ویژگی‌های زبانی، فرهنگی یا مذهبی مشترک آمده

است (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل واژه قوم؛ معین، ۱۳۸۷: ذیل واژه قوم)؛ اما اصطلاح «قومیت‌گرایی»^۱ به معنای گرایش به تعصب نسبت به یک قوم و برتری طلبی نژادی و قبیله‌ای است؛ یعنی باور به برتری یک قوم نسبت به اقوام دیگر. در قرآن کریم، هرچند واژه «قومیت‌گرایی» به صورت اصطلاحی نیامده، تعبیرهایی همچون «عُصْبِیَّة»، «فخر به قوم»، «تقسیم‌گری قومی» و «جاهلیت» در همین معنا ظاهر شده است. در قرآن کریم عبارت «حَمِیَّةُ الْجَاهِلِیَّةِ» (فتح/ ۲۶) آمده است. تعبیر «حمیت جاهلیت» به معنای تعصب شدید، غیرت افراطی و لجاجت نابخردانه‌ای است که بر اساس آداب و باورهای جاهلی و غیر الهی شکل گرفته است. مفسران گفته‌اند: مقصود از تعبیر یادشده، حالتی است که مشرکان در ماجرای صلح حدیبیه داشتند؛ آن‌ها به سبب تعصبات قبیله‌ای و باورهای جاهلی، حاضر به پذیرش حق و عدالت نبودند و با تکبر و کینه از تسلیم در برابر حق خودداری کردند (طبری، ۱۴۱۲: ۷۸/۲۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۸۰/۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۳۹/۱۹). این تعبیر به طور کلی به هرگونه غیرت، تعصب و رفتار غیرمنطقی مبتنی بر جهل و سنت‌های غلط اطلاق می‌شود.

۲. چالش‌های قومیت از منظر قرآن

یکی از مسائل مهمی که قرآن کریم به آن پرداخته و راهکارهایی برای مقابله با آسیب‌های آن در جامعه ارائه نموده، قومیت‌گرایی است. چالش‌های قومیت‌گرایی را که قرآن به آن پرداخته، می‌توان در سه دسته تقسیم کرد:

چالش اول، برتری‌بینی قومیتی به لحاظ نژادی یا زبانی است؛ یعنی چالشی فرامکانی و فرازبانی که قومی خود را به لحاظ نژادی و زبانی برتر از قوم دیگر بداند. قرآن کریم با نگاه فرامکانی و فراعصری به این چالش پرداخته و با مبانی و راهکارهایی با آسیب‌های آن مقابله نموده است:

نخست اینکه قرآن کریم با ارائه این شاخصه که همه انسان‌ها از فرزندان حضرت آدم‌اند

۱. این واژه در ادبیات علوم انسانی معاصر معادل «Ethnocentrism» به کار می‌رود.

و به یک پدر و مادر منتهی می‌شوند، چالش برتری جویی قومی و نژادی را پاسخ داده است. در آیات متعدد قرآن واژه «بنی آدم» (بنگرید به: اعراف/۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۵ و اسراء/۷۰؛ یس/۶۰) به کار رفته است که نشان می‌دهد قرآن کریم با انتخاب این واژه درصدد بیان این نکته است که همه انسان‌ها در نهایت به یک پدر و مادر (بنگرید به: نساء/۱؛ انعام/۹۸؛ اعراف/۱۸۹؛ زمر/۶) ختم می‌شوند و درواقع یک خانواده‌اند. دوم اینکه با انتخاب واژگانی همچون «یا ایُّها الناس» (برای نمونه بنگرید به: نساء/۱۷۴؛ یونس/۵۷؛ حج/۴۹؛ فاطر/۱۵) خطاب را همگانی نموده و همه انسان‌ها را در یک دسته قرار داده است. سوم اینکه فضیلت‌های حقیقی انسان (بنگرید به: حجرات/۱۳) را برتر از قومیت و نژاد معرفی کرده است تا ملاک برتری ارزش‌های حقیقی باشد نه قوم، نژاد یا زبان.

چالش دوم، قومیت‌گرایی دینی است؛ به این معنا که برخی از اقوامی که به یک شریعت باور دارند، خود را برتر از دیگران بدانند یا به بیانی، خود را قوم برگزیده و قوم برتر خداوند بر دیگر انسان‌ها تلقی کنند. مهم‌ترین چالشی که در این زمینه مطرح شده، برتری جویی دینی قوم یهود است که در قرآن به آن اشاره شده است؛ چنان‌که قوم یهود، خود را قوم برگزیده و برتر آفرینش تلقی می‌کردند. قرآن کریم در مقابله با این چالش، راهکارهایی بیان کرده است. قرآن کریم ملاک برتری دینی را ارزش‌های حقیقی بیان می‌کند نه تنها صاحب شریعت یا پیرو پیامبری خاص بودن. به همین سبب در پاسخ به برتری جویی قوم یهود و نصاری، استدلالی این‌گونه می‌آورد: اگر شما قوم شایسته خداوند به شمار می‌روید، پس چرا عذاب الهی شامل شما می‌شود؟ قرآن در این باره می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُل فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (مائده/۱۸). قرآن کریم در این آیه، خط بطلانی بر همه برتری جویی‌های قومیتی دینی می‌کشد تا خود را برتر از دیگر اقوام نپندارند؛ زیرا ملاک برتری، ایمان، تقوا و عمل صالح است.

چالش سوم، تعارض میان قومیت‌گرایی و ارزش‌های اعتقادی است؛ به این معنا که در برخی موارد در تعارض میان قومیت و ارزش‌های اعتقادی، تعصب قومیت بر باورها و ارزش‌های اعتقادی غلبه نموده، باعث می‌شود انسان با تعصبی که نسبت به قوم و عشیره

خود دارد آنان را بر خدا و دین او ترجیح دهد. قرآن کریم با اشاره به این چالش، در یک استدلال، مؤمن حقیقی را کسی معرفی می‌کند که دوست می‌دارد کسی را که خدا و پیامبرش را دوست می‌دارد و دشمن می‌دارد و دشمن می‌دارد کسی را که خدا و پیامبرش را دشمن می‌دارد؛ حتی اگر آن دشمن خدا و پیامبر، پدر، مادر یا عشیره او باشد، باور او بر آنان ارجحیت دارد. از این رو قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله/۲۲). نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه/۲۴).

این آیات نشان می‌دهند که قرآن کریم در صدد بیان این اصل اساسی بوده که قومیت‌گرایی انسان باید در راه دفاع از دین باشد، نه اینکه دین فدای تعصب‌های قومیتی شود.

۳. راهکارهای قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی

هر فعالیتی از دو منظر نیازمند توجه و ارزیابی است؛ خود اقدام و چگونگی انجام آن؛ همان‌گونه که در منطق قرآن، صدقه دادن همراه با منت، یا آزار و اذیت فرد نیازمند، شکل‌های غیراخلاقی از اصل اخلاقی صدقه دادن می‌باشند (قراملکی، ۱۳۹۴: ۶۸) یا به عنوان نمونه، عدالت‌مندی فضیلتی اخلاقی است، ولی روش عدالت‌ورزی نیازمند ممیزی‌های اخلاقی و عقلانی است. بنابراین در این بخش از پژوهش به منظور تمایزگذاری «اصول» (هنجارهای مبنایی) از «راهبردها» به معنای «مجموعه اقدام‌ها و تدابیر عملی برای تحقق آن اصول در عرصه‌های معرفتی، تربیتی، فرهنگی و سیاسی» - تفکیکی که از اختلاط سطح هنجاری با سطح اجرایی جلوگیری می‌کند - به روش‌های عینی اجرایی و مصون از خطاهای شناختی و هیجانی و رفتاری در این موضوع اشاره می‌شود. قرآن کریم با

بینشی توحیدی و اخلاقی، مجموعه‌ای از راهکارهای معرفتی، رفتاری و اجتماعی را برای پیشگیری از این انحراف ارائه می‌دهد که در ادامه در چهار سطح معرفت‌شناختی، تربیتی، جامعه‌شناختی و اخلاقی، تحلیل و بررسی می‌شوند:

۱-۳. راهکار معرفت‌شناختی

اصلاح نگرش و جهان‌بینی، از راهبردهای معرفت‌شناختی قرآنی برای ایمنی از افتادن در چالش قومیت‌گرایی است. برابر آموزه‌های وحیانی، «قومیت» ابزار شناخت و تعامل انسان و اجتماع است، نه وسیله برتری‌جویی (بنگرید به: حجرات/۱۳)، و با نقد تعصبات قومی جاهلی (بنگرید به: توبه/۲۵؛ فتح/۲۶)، مخاطبان به بازگشت به هویت ایمانی مشترک دعوت می‌شوند. در ادامه مهم‌ترین راهکارهای شناختی قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی مذموم تبیین می‌شود:

۱-۱-۳. تقویت ایمان و باور به خدا به عنوان خالق همه انسان‌ها

مطابق منظومه فکری قرآن کریم، «توحید» تنها یک اصل اعتقادی صرف نیست، بلکه بنیان همه نظام‌های ارزشی، اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌رود. از منظر قرآن، خداوند سرچشمه تمام باورها و مرجعیت احساسات و عواطف و هیجان‌ها و رفتارهاست و هیچ مرجعیت دیگری، اعم از قومی، نژادی، طبقاتی یا خاندانی، نمی‌تواند جانشین آن گردد. اعتقاد به توحید مستلزم نفی سلطه‌های اعتباری است؛ از جمله سلطه قومیت‌محور. این آیه شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره/۲۱). کلمه «الناس» ۲۴۱ بار در قرآن ذکر شده است، به گونه‌ای که تکرار این کلمه بیشتر از کلمات مؤمنین، متقین و مسلمین است (صادقی‌تهرانی، ۱۴۱۹: ۲۱۴/۱). این نکته نشان می‌دهد دعوت قرآن بر هدایت همه انسان‌هاست و همه انسان‌ها در مرحله اول به عنوان بنده خدا، از هدایت او بهره‌مند می‌شوند. همه انسان‌ها بدون استثنا مخاطب امر عبادی‌اند و آیه یادشده نشان می‌دهد که خالق و رب واحد، مرجع حقیقی انسان است و هیچ قوم یا طبقه‌ای واسطه این رابطه نیست (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷۳/۱). اگر انسان در مدار توحید تربیت شود، خود را در نسبت با خدا تعریف می‌کند، نه در نسبت با نژاد، قوم یا وطن

و این نگاه، اساس نفی مرجعیت‌های کاذب است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۷۱/۲). در همین راستا، آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون، به روشنی نشان می‌دهد که هرگونه افتخار به قوم یا وابستگی نسبی، در منطق توحیدی بی‌اساس است: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ». در روز قیامت تمامی پیوندهای دنیوی از بین می‌رود و هر انسانی با هم‌سنخ خود محشور می‌شود. روابط دنیوی از هم گسیخته می‌گردد و تنها ایمان و تقوا معنا پیدا می‌کند (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۰۰/۱۶).

بنابراین مرجعیت قومی، حاصل نگاه شرک‌آلود به هویت انسانی است، در حالی که توحید و خداپرستی، رهایی انسان از همه مرجعیت‌های موهوم را تضمین می‌کند.

۲-۱-۳. توجه به کرامت ذاتی انسان

از والاترین اصول اخلاقی مطرح شده در قرآن کریم، اصل «کرامت ذاتی» انسان است؛ کرامتی که نه در سایه دارایی و نسب، بلکه برخاسته از نفس الهی و جایگاه خلیفه‌اللهی انسان در عالم هستی است. خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰). انسان تنها به دلیل انسان بودن از احترام و کرامت برخوردار است. احترام دیدن حق اوست (قراملکی، ۱۳۹۴: ۲۵۲). این آیه مبارک کرامت ذاتی و بالقوه انسان را نشان می‌دهد که تمامی انسان‌ها را در برمی‌گیرد و با اصل تقوا، این تکریم به صورت بالفعل نمایان می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۲۷۳/۱۷).

بدین‌سان کرامت انسان، از حیث روح الهی و عقل خداداد اوست که زمینه علم، اختیار و مسئولیت را فراهم می‌کند و همین کرامت، ملاک مسئولیت اخلاقی در برابر خداوند و دیگران است. آیه یادشده، مبنای نظریه «اخلاق جهانی در قرآن» است؛ زیرا همگان را برخوردار از کرامت ذاتی معرفی می‌کند و تبعیض نژادی و قومی را بی اعتبار می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۸۹/۱۹). بهره‌مندی انسان‌ها از نعمت‌های طبیعی، توانایی تسخیر طبیعت و شرافت آفرینشی، نشان از کرامت همگانی نوع بشر دارد و به هیچ قوم خاصی محدود نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷: ۹۴/۱۲). این اصل قرآنی، در کنار آیاتی چون «خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (حجرات/

۱۳) و «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» (ص/۷۱)، دلالت دارد که همه انسان‌ها در گوه‌ر وجودی مساوی‌اند و این مساوات، مبنای نفی هرگونه سلطه، استضعاف، یا امتیاز طبقاتی در نگاه توحیدی است. بر این اساس، کرامت انسان، نه تنها در مقام نظری، بلکه در سیاست اجتماعی، فقه، حقوق، تربیت و اخلاق اسلامی نیز مبنایی مهم برای نفی تبعیض، تأسیس عدالت و حمایت از حقوق انسانی به‌شمار می‌رود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). در مجموع، کرامت ذاتی انسان در قرآن، سنگ بنای اخلاق انسانی، معیار برتری تقوا، و سدی محکم در برابر تمامی آشکال نژادپرستی، قوم‌گرایی و سلطه‌جویی است.

۳-۱-۳. توجه به فلسفه قومیت

یکی از مهم‌ترین راهکارهای شناختی قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی مذموم و پرهیز از برتری‌جویی قومی و تعصبات آن، توجه به غایت و فلسفه وجود قومیت است. یکی از آموزه‌های ژرف قرآن درباره تنوع انسانی، نگاه توحیدی به تکثر اقوام، زبان‌ها و رنگ‌هاست؛ نگاهی که نه تنها این تفاوت‌ها را انکار نمی‌کند، بلکه آن‌ها را «آیه» و نشانه‌ای از حکمت خالق می‌داند. در آیه ۲۲ سوره روم آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ». این آیه وجود زبان‌ها و رنگ‌های مختلف انسان‌ها را از جانب خداوند توفیقی معرفی می‌نماید و از سوی دیگر این تفاوت در زبان‌ها و رنگ‌ها به عنوان نشانه‌ای از عظمت آفرینش مطرح می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۰/۸). بنابراین اختلاف در زبان و رنگ، دلیلی بر تنوع تمدنی و فرهنگی انسان‌هاست که می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط، تبادل تجربه و رشد مشترک باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷: ۱۹۱/۱۷). در مجموع، آیه ۲۲ سوره روم، الگویی از «تنوع آفرینشی» ارائه می‌دهد که در آن، تفاوت‌های طبیعی بشر، بخشی از نظم جهان الهی است، نه منشأ امتیاز، تبعیض یا نابرابری. این نگاه، پایه نظری برای نفی قومیت‌گرایی، نژادپرستی و برتری‌طلبی نژادی در فرهنگ قرآنی است.

۳-۲. راهکارهای تربیتی

ارتقای ارزش‌های جایگزین، از مهم‌ترین راهبردهای قرآنی برای غلبه بر قومیت‌گرایی

است. قرآن کریم برای مقابله با تعصبات قومی و قبیله‌ای، به جای تأکید بر تفاخرات نژادی و قومی، بر ارزش‌های جایگزین چون تقوا، عدالت، برادری ایمانی، و کرامت انسانی تأکید می‌کند. پژوهش‌های تربیتی نشان داده‌اند که تبدیل نظام ارزش‌های افراد از محور قومیت به محور اخلاق جهانی، از تعارضات اجتماعی می‌کاهد و ظرفیت‌های هم‌زیستی را افزایش می‌دهد. جیمز بنکس از نظریه‌پردازان برجسته تعلیم و تربیت چندفرهنگی، توضیح می‌دهد که آموزش مبتنی بر ارزش‌های مشترک انسانی و اخلاق جهانی، توانایی کاهش تعارضات قومی و افزایش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را دارد (Banks, 2016: p. 32-38). در ادامه به برخی از مهم‌ترین راهکارهای تربیتی قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی اشاره می‌شود:

۳-۲-۱. توجه به بی‌فایده بودن قومیت‌گرایی در سعادت انسان

یکی از مهم‌ترین راهکارهای تربیتی قرآن، در مقابله با قومیت‌گرایی مذموم، توجه انسان‌ها به بی‌اثر بودن اکتفا و اعتماد به قوم در سعادت انسان است. قرآن کریم مبنای سعادت انسان را در قیامت، اعمال خود فرد بیان می‌نماید نه انتساب آن به قوم یا اشخاص، چنان‌که می‌فرماید: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مؤمنون/۱۰۱). این آیه به یکی از حقایق بنیادین معاد اشاره دارد: در قیامت، پیوندهای نسبی که در دنیا منشأ تفاخر، امتیاز، یا برتری طلبی بودند، از میان می‌روند و هیچ‌کس از دیگری درباره نسب یا تبارش نخواهد پرسید. درواقع این آیه حقیقت حساب و کتاب انسان در قیامت را بر مبنای عمل معرفی می‌نماید نه خویشاوندی و قومیت‌گرایی. قرآن احوال قیامت را چنین تبیین می‌کند که هر انسانی مشغول حساب و کتاب اعمال خویش است تا جایی که حتی حال قوم و خویشان خود را نیز در آنجا جویا نمی‌شود، در صورتی که در دنیا بر آن تأکید داشت (بنگرید به: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۸۹/۷). آیه یادشده نکته‌ای قرآنی درباره فروپاشی نظام طبقاتی و قوم‌مدار در عرصه قیامت معرفی می‌کند. «نَسَب»، اگرچه در دنیا گاهی ابزار اجتماعی بوده، در روز واپسین، هیچ جایگاه هویتی یا نجات‌بخشی ندارد و این، اوج عدالت الهی است؛ جایی که تنها «ایمان» و «عمل صالح» معیار سنجش خواهند

بود. قرآن با نگاهی ریشه‌ای، «قوم‌گرایی»، «نسب‌گرایی» و «فخر به انتساب» را هم در دنیا و هم در آخرت مردود اعلام کرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۷/۲۷۹). قرآن اعلام می‌کند ریسمان‌های تعارف (شناسایی) که یکدیگر را به واسطه آن می‌شناسید، میان شما پوسیده و همه اسباب و ریسمان‌های برادری میان شما گسسته خواهد شد. ازدحام تنهاییان را تشکیل خواهید داد. با هم در قبرستان گردآمده‌اید، کنار هم قرار گرفته و نشسته‌اید و کنار هم خوابیده‌اید؛ اما تنها باشید. از روشن‌ترین شواهد قرآنی دال بر تقدم فردیت بر قومیت، این آیات شریفه‌اند: «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ» (انعام/۹۴). «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ»؛ یعنی شما تنها آفریده شده‌اید و تنها هم نزد ما می‌آیید. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس/۳۴-۳۷). نه فقط هر کسی از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندانش گریزان است، بلکه هر انسانی در آن روز به خود مشغول است. حتی از این بالاتر: «يُصْرَوْنَ لَهُمُ يَوْمَئِذٍ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ» (معارج/۱۱-۱۴). این آیات ترسیم‌کننده حال مجرمان در روز قیامت‌اند؛ روزی که شدت عذاب چنان است که انسان حاضر است عزیزترین پیوندهای انسانی و قومی را فدای نجات خود کند: از فرزندان (بَنِيهِ)، همسر (صَاحِبَتِهِ)، برادر (أَخِيهِ)، طایفه حمایت‌کننده (فَصِيلَتِهِ) تا همه مردم زمین. واژه «فصیلته» اشاره به خویشان نزدیک فرد است که در جامعه جاهلی و قبیله‌ای عرب، سنگر افتخار و پشتوانه امنیتی انسان محسوب می‌شد؛ اما در قیامت، همین مفاخر دنیوی فاقد هرگونه کارکرد رهایی‌بخش‌اند؛ زیرا محتوای باطنی فرد، تنها ملاک نجات است، نه روابط قومی (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۸/۲۵۷).

از منظر معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی، این آیات بر چند نکته اساسی تأکید دارند: اولاً قومیت، هرچند در دنیا منشأ حمایت، غرور یا قدرت باشد، در قیامت از هیچ‌گونه مرجعیت ارزشی برخوردار نیست. ثانیاً در عرصه حسابرسی الهی، «فرد» با اعمال

خویش‌سنجیده می‌شود و پیوندهای سببی و نسبی در مقام نجات بی‌اثر می‌گردند (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷: ۲۶/۳۵۱). ثالثاً آتش قیامت با تمام پرده‌های ظاهری و وابستگی‌های اجتماعی درمی‌افتد و حقیقت درونی انسان را هدف می‌گیرد. بدین سان این آیات نه فقط خطاری به مجرمان، بلکه هشدار به جوامعی است که نظام‌های هویتی را بر پایه تبار و قبیله تعریف می‌کنند؛ زیرا در منطق توحیدی، تنها ملاک نجات، ایمان، تقوا و عمل صالح است؛ بدین معنا که مسئولیت و کرامت، متوجه فرد است، نه قبیله یا خاندان او (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۰/۲۶۹). آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مائده/۱۰۵) نیز دربردارنده یکی از آموزه‌های بنیادین معرفت فردی و مسئولیت شخصی در نظام اخلاقی قرآن است. آیه با خطاب مستقیم به مؤمنان تأکید دارد که هر انسان در وهله نخست، مسئول «خویشتن» است و بعد از خودسازی، دگرسازی مطرح است؛ آموزه‌ای که برپایه آن، سعادت فردی و اجتماعی رقم می‌خورد.

۳-۲-۲. توجه به آثار قومیت‌گرایی در گمراهی انسان

در کلان‌افق‌های قرآنی می‌توان گفت قومیت‌گرایی ریشه بسیاری از انحرافات اخلاقی و کفرورزی و مانع بزرگ در برابر هدایت الهی است. از منظر قرآن، قوم‌گرایی، یک نوع وابستگی ذهنی و روانی به هویت‌های قبیله‌ای و خاندانی است که گاه تا مرز استکبار نیز پیش می‌رود. قوم‌گرایی به عنوان انحرافی ریشه‌دار، زمینه کفر و استکبار بسیاری از امت‌ها را فراهم کرد. خداوند در آیه ۷۰ سوره مائده می‌فرماید: «كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ». این آیه تأکید دارد که مخالفت با پیامبران نیز بیشتر نه به دلیل مفاد پیام، بلکه به سبب «قوم‌محوری» و «برتری طلبی طایفه‌ای» بوده است. به همین سبب قومیت‌گرایی سرچشمه جمود فرهنگی و مقاومت در برابر اصلاح است (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷: ۲۷۱/۴). بنابراین، از دیدگاه قرآن، قومیت‌گرایی نه تنها موجب انحراف در تشخیص حقیقت است، بلکه مانع جدی در برابر پذیرش توحید، تحقق عدالت و پیشرفت اخلاقی فرد و جامعه محسوب می‌شود. قرآن با بیان قوم‌محوری بنی اسرائیل در آیاتی (برای نمونه بنگرید به: بقره/۱۱۱؛ مائده/۱۸ و جمعه/۶) به باور غلط آنان مبنی بر «قوم برگزیده خدا بودن» و نجات اختصاصی ایشان اشاره

کرده، آن را ناشی از نوعی توهّم خودبرتربینی و تحریف پیام الهی معرفی می‌نماید. این قوم محوری، پیامدهایی چون انکار پیامبران الهی (بنگرید به: بقره/۹۱)، تحریف آیات الهی (بنگرید به: نساء/۴۶)، و تبعیض در پذیرش حقایق و حیانی را در پی داشته و زمینه‌ساز انحراف تاریخی آنان از مسیر توحید شده است.

۳-۲-۳. سوق دهی انسان به اصل برابری خلقت

یکی دیگر از اصول بنیادی قرآنی که مستقیماً با مسئله قومیت و نفی تبعیض ارتباط دارد، اصل برابری همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند و نفی هرگونه نژادگرایی است. قرآن کریم با صراحت به ابعاد مشترک انسانی و تساوی ذاتی افراد اشاره می‌کند. آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳)؛ یعنی شما را از آدم و حوا آفریدیم، به این معنا که شما در نسب متساوی می‌باشید؛ زیرا همگی در نسب به آدم و حوا می‌رسید. اینجا خداوند مردم را از تفاخر به انساب نهی فرموده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳/۲۲۳).

این آیه هویت‌های سطحی را رها کرده، انسان را به «هویت تقوایی» می‌رساند؛ هویتی که هیچ ارتباطی با نژادگرایی ندارد؛ زیرا معیار ارزش، عمل صالح و پرهیزکاری است، نه انتساب خونی (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۵/۱۸۸). عبارت «شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» به سبب «لِتَعَارَفُوا» بیان شده است؛ یعنی اقوام به منظور آشنایی و همکاری با یکدیگر آفریده شده‌اند، نه برای برتری جویی یا دشمنی؛ چرا که «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و این به معنای تأکید بر اصل انسان شدن است (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷: ۲۲/۲۰۲). این آموزه، پایه‌ای برای مباحث حقوق بشر و عدالت اجتماعی در جهان امروزی فراهم می‌کند. قرآن کریم با نفی معیارهای تبعیض‌آمیز، به انسان‌ها می‌آموزد که در پیشگاه خداوند، الهام‌بخش‌هموعان باشند و از هرگونه ظلم و پیش‌داوری نژادی پرهیز کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

۳-۳. راهکار جامعه‌شناختی

طراحی روابط و هویت جمعی بر مبنای توحید و ساخت هویت جمعی بر اساس ایمان،

از راهکارهای جامعه‌شناختی قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی است. قرآن بارها یادآور می‌شود که معیار برتری انسان‌ها ایمان، تقوا و عمل صالح است، نه نژاد و قومیت. در این چهارچوب، امت اسلامی «یک پیکر» معرفی می‌شود. بر اساس قرآن، قومیت و تفاوت‌های اجتماعی به خودی خود ارزش مثبت یا منفی ندارند، بلکه وقتی به تعصب و تفاخر منجر شوند، عامل تفرقه و فساد خواهند شد. راهکار قرآنی، بازتعریف هویت جمعی بر محور توحید و تعامل اخلاقی و مدارا جویانه است که وحدت و رشد فرهنگی را به دنبال دارد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین راهکارهای جامعه‌شناختی قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی اشاره می‌شود:

۳-۱-۳. توجه به جنبه مثبت قومیت در شکل‌گیری جوامع و نه برتری جویی

از کارکردهای بنیادین قومیت در قرآن، آثار هویت بخشی آن است. در نگاه قرآنی، «قومیت» نه به عنوان مقوله‌ای صرفاً نژادی یا ارزشی، بلکه به عنوان یکی از اجزای طبیعی هویت انسانی تعریف شده است که برای سامان بخشی به روابط اجتماعی نقش ایفا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۸۸/۱۵). با این حال، قرآن با تمایزگذاری میان هویت توحیدی و هویت قبیله‌ای، هشدار می‌دهد که وابستگی قومی اگر از چهارچوب تعارف (آشنایی) و هم‌زیستی عبور کند و به معیار ارزشی در تعاملات بدل شود، منشأ فساد اجتماعی و اخلاقی خواهد بود. قرآن، آغاز خلقت را از یک منشأ واحد می‌داند تا یادآوری کند که اساس هویت انسانی، اشتراک در آفرینش و نفخه الهی است، نه افتخار به قبیله و نژاد: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ... وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْأَلْوَانِكُمْ...﴾ (روم/ ۲۲-۲۰). هویت قرآنی، برپایه توحید، کرامت، عدالت و تقوا بنا نهاده شده است و قومیت تنها یکی از مختصات بیرونی هویت است که اگر از اهداف الهی منحرف شود، می‌تواند ابزار افساد و استکبار گردد؛ چنان‌که در مورد بنی اسرائیل، این دگرگونی ارزشی به انحراف معرفتی گسترده‌ای انجامید: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ...﴾ (مائده/ ۱۸).

۳-۲-۳. کارکردشناختی قومیت در تمدن‌سازی

قرآن تنوع نژادی را منبع شناخت معرفی می‌کند. این رویکرد، کارکردی معرفت‌شناختی

به قومیت می‌دهد که در تقابل با قوم‌گرایی افراطی و نژادپرستی قرار دارد. قرآن در آیه ۱۳ سوره حجرات، غایت تنوع قومی را «تعارف» می‌داند: ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات/۱۳). علامه طباطبایی «تعارف» را به معنای آگاهی متقابل و تعامل اجتماعی تفسیر می‌کند و می‌نویسد: تنوع قومی، وسیله ارتباط فرهنگی و اجتماعی است، نه ابزاری برای تمایز ارزشی (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۸/۳۳۶). این آیه مبارک بر این نکته تصریح دارد که قرار دادن قومیت‌های مختلف، وسیله‌ای برای شناخت است نه برتری‌جویی. به عبارتی فلسفه اختلاف در قومیت‌ها، شناخت بهتری که دیگر در سایه خلقت یکپارچه است (صادقی‌تهرانی، ۱۴۱۹: ۲۷/۲۵۷). تعارف و آشنایی یک امر انسانی است که هدف آن، غنی‌سازی تجربه انسانی با دانش و تجربه متنوع برای رسیدن به تکامل انسانی است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۱/۱۶۰). پس این همان هدفی است که باید در پی دستیابی به آن بود و به آن به عنوان هدفی از اهداف خلقت اقوام متنوع توجه نمود که غایت آن، فاصله گرفتن از خودخواهی و برتربینی قومیتی و رسیدن به وحدت انسانی در سایه تنوع قومیتی خواهد بود. از منظر قرآن، تنوع قومی همچنین بستری برای شناخت حقیقت و عبرت‌آموزی است؛ چنان‌که قرآن در آیه ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۷) با امر به سیر در زمین و توجه به سرگذشت اقوام پیشین، از قومیت به عنوان یک منبع معرفت تاریخی و الهی یاد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷: ۲/۹۲). در جمع‌بندی می‌توان سه کارکرد معرفت‌شناختی قومیت را در قرآن این‌گونه بیان کرد:

یک. زمینه‌سازی برای شناخت اجتماعی و فرهنگی متقابل (بنگرید به: حجرات/۱۳).

دو. مقدمه‌ای برای تفکر در حکمت و قدرت الهی (بنگرید به: روم/۲۲).

سه. منبعی برای عبرت‌گیری از سرگذشت اقوام پیشین (بنگرید به: آل عمران/۱۳۷)

این نگاه قرآنی، قومیت را در منظومه‌ای توحیدی تفسیر می‌کند و آن را از کارکردهای تبعیض‌آمیز به سمت کارکردهای الهی و معرفتی سوق می‌دهد.

۳-۳-۳. توجه به کارکرد اجتماعی عدالت به جای قومیت‌گرایی

عدالت فراگیر در قرآن و نفی تبعیض قومی، یکی از اصول بنیادین قرآن در مواجهه با

قومیت‌گرایی است. عدالت در قرآن نه امری نسبی و محدود به درون گروه، بلکه ارزشی فراگیر و مطلق است که همه تعاملات انسانی را شامل می‌شود، حتی در مواجهه با دشمنان قومی و دینی. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/ ۸). خداوند در این آیه با روشی اخلاق‌مدار و ارزش‌بنیان، عدالت را ارزشی فراتر از احساسات قومی و دشمنی‌های نژادی معرفی می‌کند. واژه «شَنَاَن» به معنای دشمنی شدید، نشان‌دهنده سطح بالای خصومت است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۵۶۸/۱۰). با این حال، آیه هشدار می‌دهد که چنین دشمنی‌ای نباید موجب انحراف از عدالت شود. در این چهارچوب، عدالت نه فقط یک فضیلت فردی، بلکه یک الزام الهی و شاخص تقوا معرفی می‌گردد. رویکرد قرآن در اینجا مبتنی بر اخلاق جهانی، کرامت انسان، و نفی جهت‌گیری قومی است و نشان می‌دهد که در نظام قرآنی، عدالت یک اصل مطلق است که حتی در مواجهه با دشمنان نیز نباید نقض شود. این نگرش، الگویی تمدنی برای نظم اجتماعی توحیدی ارائه می‌دهد که در آن، عدالت بر تعصبات قومی و هیجانات فردی غلبه دارد. بر این مبنا، قرآن با نفی معیارهای قبیله‌ای در قضاوت و رفتار، انسان را به مدار «قسط» فرا می‌خواند و این قسط، سنگ بنای رابطه سالم انسانی در جهان متکثر امروزی است. اصل عدالت در قرآن، تنها ابزار تحقق هم‌زیستی میان اقوام نیست، بلکه شاخصی برای صحت ایمان و میزان تقرب انسان به خداوند نیز محسوب می‌شود. این نگاه جهانی، قوم‌گرایی را به مثابه منبع تبعیض و خشونت نقد می‌کند و عدالت را جایگزینی عقلانی، اخلاقی و الهی برای آن معرفی می‌سازد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

۳-۴. راهکارهای اخلاقی

بر مبنای تحلیل محتوایی، اصول اخلاقی قرآن در مواجهه با قوم‌گرایی در ابعاد متعدد بیان شده است که در ادامه تحلیل و بررسی می‌شوند:

۳-۴-۱. اصل اجتناب از تعصبات قومی ناموجه

آیات قرآن با معرفی صریح معیار برتری انسان‌ها و نکوهش تفاخر جاهلی و اشاره به

اینکه همه انسان‌ها امت واحدند (بنگرید به: بقره/۲۱۳)، اصل اخلاقی نفی تعصب قومی غیر منطقی و ناروا را بیان کرده است. در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/۱۳). در این آیه، قرآن تصریح می‌کند که تنوع قومی و نژادی تنها برای تعامل و شناخت متقابل است، نه برای افتخار یا تبعیض. ملاک برتری نیز نه قومیت، بلکه تقواست. این آیه به وضوح ریشه تعصب قومی را قطع می‌کند. همچنین می‌فرماید: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ (فتح/۲۶). «حمیت جاهلیت» اشاره به همان تعصب قبیله‌ای دارد که در دوران جاهلیت شایع بود. قرآن این حالت را محکوم کرده، آن را نشانه کفر و نادانی می‌داند.

۳-۴-۲. اصل نفی افتخار به نسب و حسب

در قرآن کریم، یکی از اصول بنیادین اخلاقی که به ویژه در برابر گرایش‌های قوم‌گرایانه و تفاخر به نسب مطرح شده، اصل نفی افتخار به نسب و قومیت است. قرآن با تأکید بر برابری ذاتی انسان‌ها و ملاک قرار دادن تقوا، هرگونه برتری جویی مبتنی بر نسب، نژاد و قومیت را مردود می‌داند (بنگرید به: حجرات/۱۳). مفسران تأکید دارند که این آیه پاسخی به سنت‌های جاهلی و تعصبات قبیله‌ای است که در آن زمان رایج بود و نشان‌دهنده تغییر بنیادین نگرش دینی به مسئله هویت اجتماعی است. طبری می‌نویسد که هدف از ذکر «شعوب و قبائل» تنها ایجاد پیوندهای اجتماعی و شناخت نسب‌ها برای تنظیم روابط بوده و نه برتری طلبی (طبری، ۱۴۱۲: ۲۵۰/۱). علامه طباطبایی نیز اشاره دارد که معیار ارزشمندی در قرآن مبتنی بر فضیلت‌های اخلاقی و ایمان است و تفاوت‌های نسبی یا قومی فاقد اصالت‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۲۷/۱۸). بر این اصل در سنت نبوی نیز تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ إِلَّا بِالْتَّقْوَىٰ» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۲: ۴۱۱/۵). این روایت بیانگر نفی هرگونه امتیاز قومی است. در نگاه‌های علمی معاصر نیز این مفهوم به عنوان یکی از ارکان اخلاق اجتماعی اسلام بررسی شده است. اصل نفی افتخار به نسب، روابط انسانی را اصلاح می‌کند و جامعه را از شکاف‌های قومی و طبقاتی می‌رهاند. بنابراین، اصل نفی افتخار به نسب در قرآن و سنت،

رویکردی جهان‌شمول دارد که بر پایه کرامت ذاتی انسان و معیار تقوا استوار است (سبحانی، ۱۳۷۸: ۲۳۵). این اصل، یکی از مهم‌ترین مبانی اخلاقی برای مقابله با قوم‌گرایی و تعصبات نژادی در جوامع گذشته و امروز است و می‌تواند مبنای نظریه‌های معاصر درباره برابری اجتماعی و اخلاق جهانی قرار گیرد.

۳-۴-۳. اصل تکریم فارغ از قومیت

اصل تکریم انسان در قرآن، یک قاعده اخلاقی حاکم و فراگیر است که قومیت را تنها ابزار شناسایی و تنوع معرفی کرده و ملاک ارزش را تقوا و انسانیت دانسته است (بنگرید به: اسراء/۷۰؛ حجرات/۱۳). این اصل در تفاسیر معتبر شیعی و متون روایی به روشنی مورد تأکید قرار گرفته و مبنای عدالت و تعامل اجتماعی سالم در اسلام به شمار می‌رود. این کرامت یک موهبت عام الهی است و اساس ارزش‌گذاری اخلاقی در تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۴۲/۱۳). به بیان مفسران شیعه، جمله «لِتَعَارَفُوا» به معنای شناسایی متقابل و ایجاد تعامل اجتماعی سالم است، نه امتیازطلبی بر اساس قومیت (مکارم شیرازی، ۱۴۰۷: ۱۶۲/۲۲). علامه طباطبایی توضیح می‌دهد که اختلاف اقوام و قبایل، از آیات الهی و لازمه نظم اجتماعی است، ولی هیچ‌گونه برتری قومی را تأیید نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۲۷/۱۸). آیت‌الله جوادی آملی اصل «تکریم انسان» را از اصول بنیادین اخلاق و حقوق قرآنی می‌داند که فراتر از هر هویت قومی یا نژادی است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۹۶/۱۵). ایشان با استناد به آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء/۷۰) توضیح می‌دهد که کرامت، موهبت الهی است که به همه فرزندان آدم داده شده و شرط آن قومیت، زبان، رنگ یا طبقه اجتماعی نیست. این کرامت «تکوینی» و «عام» است؛ یعنی هر انسانی به صرف انسان بودن، دارای شأن الهی و حرمت است (همان‌جا). ایشان ذیل آیه ۱۳ سوره حجرات تأکید می‌کند که تنوع قومی و قبیله‌ای فقط ابزار شناسایی متقابل است و هیچ برتری ذاتی ایجاد نمی‌کند؛ ملاک ارزش، «تقوا» است که معیار اخلاقی و اختیاری است، نه وراثتی. بدین سان هرگونه تعصب قومی یا تمایز ارزشی بر پایه نژاد، در تضاد با اصل کرامت و برابری انسانی در قرآن است و در روایات نیز به شدت نکوهش شده (همان، ۴۳۲/۲۱). توجه به این اصل می‌تواند به تحقق کرامت انسان، فرای قوم و قبیله او کمک نماید.

نتیجه

یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه عصر نزول قرآن، تعصبات قومی و قبیله‌ای بوده، که آثار بدی در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها داشته است. قرآن کریم راهکارهایی را برای مقابله با این آسیب تبیین کرده است که ضمن مقابله با قومیت‌گرایی مذموم، جلوه‌های مثبت و قابل توجه قومیت‌گرایی را نیز نشان می‌دهد. راهکارهای قرآن ضمن جهت‌دهی و توجه به شرایط عصر نزول، مطابق با روحیه فطری و عقلی انسان بوده، به عصر خاصی اختصاص ندارد، بلکه در هر عصری کاربرد دارد.

راهکارهای قرآن در مقابله با قومیت‌گرایی در چهار محور قابل دسته‌بندی‌اند: محور اول، بُعد شناختی است که قرآن با توجه به شاخصه‌های معرفتی و عقلی، به مقابله با قومیت‌گرایی می‌پردازد. در این محور، رکن و اساس، تأکید بر خلقت یک‌پارچه انسان‌ها در پرتو خالق واحد است؛ که از این رهگذر ضمن توجه‌دهی به یکسان‌انگاری خلقت تمام انسان‌ها، بُعد توحید و معرفت‌افزایی به خالق را بیان می‌نماید. در بُعد دوم قرآن کریم با ارائه رویکردهای تربیتی به آثار مذموم قومیت‌گرایی افراطی اشاره می‌کند و این نکته مهم را تبیین می‌نماید که قومیت‌گرایی در سعادت انسان بی‌تأثیر بوده و مبنای سعادت انسان در آخرت اعمال خود فرد است. در محور سوم قرآن کریم با رویکرد جامعه‌شناختی به جهت‌دهی قومیت‌گرایی می‌پردازد و به آثار مثبت و نگاه صحیح به قومیت‌گرایی اشاره می‌کند؛ چه اینکه توجه صحیح به قومیت‌گرایی در جای خود می‌تواند به جوامع تمدن‌ساز و هم‌زیستی بر پایه عدالت کمک نماید. در رویکرد پایانی، قرآن کریم به اصول اخلاقی در مقابله با قومیت‌گرایی می‌پردازد و با ارائه اصولی همچون: اصل اجتناب از تعصبات قومی ناموجه، اصل نفی افتخار به نسب و حسب و اصل تکریم فارغ از قومیت، به تبیین حقیقت وجودی انسان در پرتو نفی ارزش‌های دروغین می‌پردازد و حقیقت ارزشی انسان را فرای از قوم و قبیله بیان می‌نماید. تبیین این راهکارهای قرآن در عصر حاضر، می‌تواند ضمن مقابله با تعصبات قومی، به تقویت اتحاد و یکپارچگی اقوام در سایه خلقت یک‌پارچه و هدف یکسان کمک نماید.

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳. احمد بن حنبل، *المسند*، مؤسسة الرساله، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۴. توسلی زاده، ابوالفضل، «قومیت‌گرایی از منظر قرآن کریم»، *پژوهشنامه بختیاری‌شناسی و اقوام ایرانی*، دوره اول، شماره ۱، ۱۴۰۲ش، ص ۲۸۳-۳۰۵.
۵. جعفری، محمدنسیم، حسن خیری و محسن قنبری نیک، «الگوی حلّ منازعات قومی از منظر قرآن کریم»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳ش، ص ۱۳۰-۱۵۹.
۶. جوادی آملی، عبدالله، *اخلاق در قرآن*، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۳ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، نشر اسراء، قم، ۱۳۷۹ش.
۸. حسینی، سید کمال و عبدالواحد مطهری، «مواجهه فرهنگی انبیاء علیهم‌السلام با قوم‌گرایی از منظر قرآن کریم»، *مطالعات تفسیری*، سال یازدهم، شماره ۴۳، ۱۳۹۹ش، ص ۱۹۵-۲۱۴.
۹. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *مفاهیم اجتماعی قرآن*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۱. سبحانی، جعفر، *اخلاق در قرآن*، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، قم، ۱۳۷۸ش.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، مؤلف، قم، ۱۴۱۹ق.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۹۳ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه جواد بلاغی، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۶. فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دار الماک للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۱۷. فرامرز قراملکی، احد، *اخلاق سازمانی*، مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی، انتشارات سرآمد، تهران، ۱۳۹۴ش.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۹. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
21. Banks, J. A. (2016). *Cultural diversity and education: Foundations, curriculum, and teaching* (6th ed.). New York: Routledge, pp. 32–38.